

محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست دو عامل دشمن در اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ که به یک مکان دارای طبقه‌بندی نظامی تعرض کرده بودند، پس از رسیدگی به پرونده و تأیید حکم نهایی در دیوان عالی کشور به دار مجازات آویخته شدند.

محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست شامگاه ۱۸ دی ماه به همراه تعدادی دیگر از آشوبگران با تعرض و آتش زدن یک مکان ممنوعه نظامی سعی در سرقت سلاح‌های موجود در این مکان نظامی‌را داشتند.

اعدام دو نفر از عاملین دشمن در اغتشاشات دی ماه

با گذشت نزدیک به چهل روز از جنگ تحمیلی سوم، هنوز هم بسیاری از مردم، محافل خبری و سازمان‌های حقوق بشری در مورد حمله موشکی به مدرسه شجره طوبه میناب صحبت می‌کنند. بچه‌های بی‌گناهی که جان دادند تا قربانی مطامع سیاستمداران خودکامه و تشنه جنگ و قدرت صهیونی و آمریکایی شوند. آنها دخترکان و پسرکانی بودند که به امید دیدن همکلاسی‌های خود و حضور در کلاس درس به مدرسه می‌رفتند،بازبان کودکانه در مورد آینده‌ای که برای خود ترسیم کرده بودند، حرف می‌زدند. اینکه قرار بود دکتر و مهندس و خلبان شوند یا پرستار و نقاش و مربی مهدکودک یا معلم. دخترها با لباس فرم آبی رنگ راه‌راه‌شان و پسرها هم با لباس فرم خود. در آستانه‌اربعین‌داشتن آموزان مدرسه شجره طوبه با کبری آچی حیدری‌نیا،امدادگری که آن روز در مدرسه حضور داشت صحبت کردیم و ناگفته‌هایی از آن روز را روایت کرد. هنوز هم از یادآوری لحظه به لحظه آن در ذهن خود رنج می‌کشد. اومتولدسال ۱۳۶۳داوطلب‌ومربی کمک‌های امدادی و مخاطرات جمعیت هلال احمر میناب است. کبری آچی حیدری‌نیا در گفتگو با جام‌جم از حوالی ساعت ۱۱ صبح روزی می‌گوید که دو موشک به مدرسه شجره طوبه اصابت کرد و جان دانش‌آموزان خردسال و کادر آموزشی‌را در یک لحظه گرفت.

۱

۲

۳

۴ از روزی بگویند که به شما اعلام شد برای امدادرسانی به

مدرسه بروید.

من آن روز در اداره و همراه دیگر همکاران مشغول انجام کارهای روزمره بودیم که یک‌دفعه یک صدای بسیار قوی شنیدیم. رییس طبقه با ما بود و بچه‌ها را صدا زد که اداره را تخلیه کنید و پایین بروید. با اعلام او، ما که در طبقه همکف بودیم داخل حیاط رقتیم تا ببینیم چه اتفاقی رخ داده است. اصلاً نمی‌دانستیم که انفجار است و حتی خبر نداشتیم حمله کرده‌اند. فکرش را هم نمی‌کردیم که میناب را بزنند، اما زدند. رییس با دو تیم امدادی آقایان به محل حادثه رفتند و به من هم اعلام کرد که همراه با دو تیم متشکل از خانم‌ها به محل برویم، اما هیچ توضیحی نداد که چه شده یا نشده است. با مدرسه فاصله زیادی

بر اساس مفاد پرونده محمدامین بیگلری را رعایت مسائل حفاظتی پس از ورود به مکان نظامی ممنوعه اقدام به تخریب اموال این مکان و تعرض به آن کرده‌است. وی انگیزه خود از اقدامات جنایتکارانه را براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران عنوان کرده‌است. نامبرده در خصوص چگونگی ورود به حوزه شهید محمود کاهه که دارای طبقه‌بندی نظامی است، اظهار کرده‌است: من بعد از هول دادن و لگد زدن به در وقتی در حوزه باز شد وارد آن شدم و شروع به تخریب و آسیب زدن به وسایل این مکان کردم.

در گفت و گو با یک امدادگر هلال احمر جزئیات جنایت جنگی آمریکا و رژیم صهیونی در مدرسه شجره طوبه تشریح شد

ناگفته‌های روز تلخ میناب

نداشتیم و برای همین به سرعت همکاران خانم را مطلع کرده و به سمت محل اعلام شده رقتیم. در مسیر بودیم که با من تماس گرفتند و گفتند شش، هفت نفر از دوستان من در مدرسه بودند مثل مدیر و معاون و معلم قرآن مدرسه. با مدیر مدرسه که نامش خانم طاهری بود، تماس گرفتیم، اما جواب نداد. وقتی به مدرسه رسیدیم، شوهرش را دیدم که توی سرش می‌زد و می‌گفت خانم حیدری...فاطمه کو... فاطمه کو... با دیدن آن وضعیت همه چیز آوار شد روی سرم.

۵ وضعیت مدرسه چطور بود؟

آنجا همکاران تیم بندی شده و شروع به ارزیابی وضعیت مدرسه کردند. طبقه دوم متعلق به دختران و پایین برای پسرها بود. در حال ارزیابی شرایط بودیم که یکی از امدادگران صدا زد و گفت خانم حیدری... خانم حیدری... بیا اینجا، ببین جسد دوست‌است؟ گفتم کجا؟ گفت برو بالا طرف آقایان. گفتم یک چادر با لباس برایم بیاورید. نگاه که کردیم، پرده پنجره‌های مدرسه را دیدیم و برای همین آنها را جمع کردیم و بردیم. وقتی رسیدیم، اصلاً نشناختم. فقط بدنش بیرون بود، اما سرش را ندیدم و گویا زیر آوار بود. تنفسش را می‌دیدم و برای همین امدادگران را به سرعت صدا زدم که بیایید و این زنده است. پرده را انداختم روی بدنش و به کارمان ادامه دادم. آنجا خیلی وضعیت بدی داشت. برخی اجساد سوخته بودند، موهایی که تکه تکه به دیوار چسبیده بود، من ۱۶ سال امدادگر بودم، در حوادث مختلفی مثل سیل و زلزله حضور داشتم، اما تا به حال صحنه‌ای به این تاختی

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

محکوم علیه‌شاهین واحدپرست نیز با رعایت اصول حفاظتی که نشان آگاهی وی از اقدامات مجرمانه است، اقدام به ورود به مکان نظامی ممنوعه کرده و در تخریب و آتش زدن این مکان نظامی مشارکت داشته است. پس از تشکیل پرونده قضایی و صدور کبفرخواست، جلسات رسیدگی به اتهامات محمد امین بیگلری و شاهین واحدپرست، با حضور متهمان و وکلای ایشان برگزار شد.متهمان به اتهام مشارکت در اقدامات عملیاتی برخلاف امنیت کشور برای رژیم صهیونیستی و آمریکا و گروه‌های متخاصم و

عوامل وابسته به آنها که منتهی به رعب و وحشت و ناامن کردن جامعه‌شده‌و ورود به‌اماکن نظامی دارای طبقه‌بندی به‌قصد خارج کردن سلاح و مهمات جنگی و تخریب و آتش زدن اموال دولتی به قصدمقابله بانظام جمهوری اسلامی ایران به‌اعدام محکوم شدند. با نظر قضات دیوان عالی کشور فرجام‌خواهی صورت گرفته وارد دانسته‌شد و حکم دادگاه را تأیید کردند. حکم اعدام محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست براساس موازین قانونی به مرحله اجرا درآمد.»



ندیده بودم. بچه‌ها زیر نیمکت پناه گرفته و سروگردن‌شان را گرفته بودند تا آسیبی نینینند، اما متأسفانه همان جا پس از اصابت موشک‌ها شهید شده بودند. یا بچه‌ای رفته بود زیر نیمکت، اما پایش بیرون مانده و دچار شکستگی شده بود. بچه می‌گفت فکر می‌کردم زلزله آمده که رفتم زیر نیمکت، اما خواهرم نتوانست زیر نیمکت جابگیرد و او شهید شد. موشک به کلاس چهارم اصابت کرده بود.

۸ همه اجساد شناسایی شده‌است؟

متأسفانه برخی اجساد تکه تکه شده و قابل شناسایی نبودند. سه شهید بودند که پس از خروج از زیر آوار، دو نفر از آنها از طریق آزمایش هویت‌شان شناسایی شد که یکی معلم و دیگری دانش آموز کلاس چهارمی بود، اما یک نفر هنوز مانده و هویت او در حال آزمایش است. متأسفانه والدین نتوانستند تشخیص دهند و برای همین لازم بود تا آزمایش تخصصی روی آنها انجام و خانواده‌شان شناسایی شود.

۹ تصویر یک دختر شهید دانش آموز با لباس راه راه آبی خونین

بسیار دیده شد. پیکر این دختر را شما خارج کردید؟

خیر، بنده آن دانش آموز را بیرون نکشیدم، اما بچه‌های دیگر بودند. مثلاً پیکر یک کودک دانش آموز را به رییس‌مان دادم که فکر کرد زنده است و برای همین او را به سرعت به آمبولانس منتقل کرد. هر کسی را که به دستش می‌دادند، با تصور زنده بودن، فوراً به آمبولانس می‌برد. طوری بود که تمام لباس آقای محسنی از بالا به پایین سراسر خون بود. نمی‌دانید چه صحنه‌ای بود. باور تان نمی‌شود، اما چندان لاستیک

نشیدم. انفجار دوم که آمد، همه بچه هافش کشیدند. آن لحظه کل مدرسه خراب شده بود. من و بچه ها دم در کلاس افتاده بودیم. معلم ورزش پایین بود می‌گفت باید پایین، بیاد پایین. گفتم بیا بچه ها را ببر پایین. وقتی آمد اول دادم ترنم را ببرد. چون ترنم خونی بود. بعد دادم مستانه را ببرد چون مستانه هم خونی بود. وقتی آمدم پایین فقط همکار را دیدم و دانش آموزی که ششمنش آمده بود بیرون و صورتش پر خون بود. گفتم ترس و دست او و همکار را گرفتم تا برسیم به در. آنها می‌گفتند، نمی‌توانیم بیاییم و من می‌گفتم بیاید تا رسیدیم به در.

پر کردیم از موهایی که به درخت و دیوار چسبیده بود. انگشت بچه‌ها،

بدن‌های تکه تکه، حتی وقتی موشک را بیرون آوردند، تکه‌هایی از بدن بچه‌ها روی آن چسبیده بود.

۱۰ تمام کادر مدرسه شهید شدند؟

آنهايي که زودتر رفته بودند، خير. مثلاً يك خانم معلمي دوست من بود که می‌گفت ساعت ۹ صبح روز حادثه با من تماس گرفتند و گفتند زن عمویت فوت شده و برای همین زودتر از مدرسه خارج شدم.

۱۱ چند امدادگر در مدرسه شجره طوبه مشغول امدادرسانی بودند؟

با کادر اداری و کارمندان، حدود ۷۰ نفر می‌شدیم.

۱۲ از وضعیت روحی امدادگران و والدین بگویند؟

پس از جستجو فکر کردم پسر عموی مادرم زیر آوار مانده است، اما بعد که با دقت نگاه کردم، دیدم فرزندش زیر آوار مانده و شهید شده است. همه شرایط روحی بدی داشتم و چند نفر مرا گرفته بودند. دیدن آن صحنه اشک هر کسی را سرازیر می‌کند. چند نفر از اقوام من هم در این مدرسه حضور داشته و شهید شدند. یا پدری رفته بود فرزندش را از مدرسه بیاورد که خودش هم شهید شده بود. روزی که مدرسه موشک خورد، جلسه اولیا و مربیان هم بود. یکی از امدادگران

ورزش

اخبار

نعمتی: با تمام وجود

در کنار مردم خوزستان هستم

علی نعمتی، بازیکن ملی پوش تیم فولاد خوزستان، در واکنش به حمله دشمن صهیونی آمریکایی به شرکت فولاد به خبرنگار ورزش ۳ گفت: حدود دو سال است که افتخار عضویت در خانواده بزرگ فولاد را دارم و در این مدت به‌خوبی دریافته‌ام که این باشگاه و مجموعه چه جایگاه مهم و ارزشمندی در میان مردم شریف خوزستان دارد. فولاد تنها یک باشگاه فوتبال نیست، بلکه بخشی از زندگی بسیاری از خانواده‌های این استان محسوب می‌شود. وی افزود: وقتی خبر این حمله را شنیدم، عمیقاً ناراحت و متأثر شدم. طبیعی است که چنین اتفاقی برای هر کسی که خود را عضوی از خانواده فولاد می‌داند، بسیار تلخ باشد. من با تمام وجود در کنار مردم عزیز خوزستان هستم و مطمئن باشید هر کمکی که از دستم برآید، برای حمایت از آن‌ها دریغ نخواهم کرد. بازیکن تیم فولاد خوزستان در پایان گفت: مردم خوزستان همواره نشان داده‌اند که مردمانی شجاع، مقاوم و دلاور هستند و بدون تردید شایسته بهترین‌ها و آرامش هستند.

تاجر نیا: هیچ تهدیدی قادر نخواهد

بود ایران را متوقف سازد

در پی آسیب و تخریب بخشی از زیرساخت‌های حیاتی و صنعتی کشور به‌ویژه کارخانجات مهم فولاد، علی تاجرنیا با صدور پیامی رسمی، مراتب تأسف و همدردی خود را با باشگاه‌های فولاد مبارکه سپاهان و فولاد خوزستان اعلام کرد. در پیام مدیرعامل باشگاه استقلال آمده است: در روزهایی که میهن عزیزمان ایران اسلامی با شرایطی دشوار و تلخ روبه‌روست، انتشار خبر آسیب و تخریب بخشی از زیرساخت‌های حیاتی و صنعتی کشور، به‌ویژه کارخانجات مهم و راهبردی فولاد که به‌عنوان یکی از ارکان اساسی اقتصاد، تولید ملی و خودکفایی کشور محسوب می‌شوند، موجب تأثر و اندوه عمیق در میان آحاد جامعه، به‌ویژه خانواده بزرگ ورزش شد.بی تردید آنچه بر مجموعه‌های معظم فولاد مبارکه سپاهان اصفهان و فولاد خوزستان گذشته است، صرفاً یک خسارت صنعتی و اقتصادی نیست، بلکه زخمی بر پیکره همبستگی ملی، نمادی از تلاش خستگی‌ناپذیر متخصصان ایرانی و جلوه‌ای از اراده و خدوآوری ملی به‌شمار می‌رود.